

چهار فصل

در شعر زنان معاصر

نقد ادبی شعر عالم تاج قائم مقامی، سیمین بهبهانی، طاهره صفارزاده

www.ketab.ir

مؤلف:

دکتر عزیزه یوسفی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

تابستان ۱۳۹۶

سرشناسه	: یوسفی، عزیزه، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: چهار فصل در شعر زنان معاصر: (نقد ادبی شعر عالم تاج قائم مقامی، سیمین بهبهانی، طاهره صفارزاده)/عزیزه یوسفی.
مشخصات نشر	: میانه: دانشگاه آزاد اسلامی (میانه)، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۸ ص.
شابک	: ۱۰۰۰۰۰ ریال 978-964-10-4768-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: واژه نامه
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۷۹.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: قائم مقامی، عالمتاج (فراهانی)، ۱۳۲۵-۱۳۶۲. -- نقد و تفسیر
موضوع	: بهبهانی، سیمین، ۱۳۰۶ - -- نقد و تفسیر
موضوع	: صفارزاده، طاهره، ۱۳۱۵ - ۱۳۸۷. -- نقد و تفسیر
موضوع	: زنان شاعر ایرانی -- قرن ۱۴ -- نقد و تفسیر
موضوع	Women poets, Iranian -- 20th century -- Criticism and interpretation
موضوع	شعر فارسی -- زنان شاعر
موضوع	Persian poetry -- Women authors :
شناسه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی. واحد میانه
شناسه افزوده	Islamic Azad University. Miyaneh Branch
رده بندی کنگره	۱۳۹۶/۲۵۴۴PIR ۹ج ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۱/۶۲۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۶۰

نام کتاب	: چهار فصل در شعر زنان معاصر
تألیف	: (نقد ادبی شعر عالم تاج قائم مقامی، سیمین بهبهانی، طاهره صفارزاده)
ناشر	: عزیزه یوسفی
چاپ و صحافی	: دانشگاه آزاد اسلامی (واحد میانه)
ناظر چاپ و طرح جلد	: سیف
نوبت چاپ	: منصور دولت زاده
تیراژ	: چاپ اول - تابستان ۱۳۹۶
قیمت	: ۵۰۰ جلد
	: ۱۰۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-964-10-4768-1

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۴۷۶۸-۱

میانه: جاده ترانزیت - بلوار شهدای زینبیه - دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

تلفکس: ۰۴۱۵۲۲۴۰۰۸۵

«کلیه حقوق متعلق به ناشر می باشد»

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	سخن آغازین.....
۱۲	مقدمه.....
۱۶	پیشینه‌ی پژوهش.....
	فصل یکم: کلیات
۱۹	۱-۱- فمینیسم.....
۳۰	۲-۱- فمینیسم ایران، اسلام و مسائل مربوط به زن.....
۳۵	۳-۱- نقد ادبی فمینیستی.....
۴۰	۴-۱- رهیافت تحلیلی سروده‌های زنان هدف پژوهش.....
۴۱	۵-۱- جایگاه و حقوق زن در عرصه تاریخ.....
۴۴	۱-۵-۱- جایگاه و حقوق زن در غرب و در نگاه متفکران غربی.....
۴۶	۲-۵-۱- جایگاه و حقوق زن در ایران و در نگاه متفکران ایرانی.....
۵۲	۳-۵-۱- جایگاه و حقوق زن در جمهوری اسلامی ایران.....
۵۶	۶-۱- زن در عرصه‌ی تاریخ ادبیات.....
۵۶	۱-۶-۱- زن: مخلوق ادبیات.....
۵۸	۲-۶-۱- زن: خالق ادبیات.....
	فصل دوم: تجلی عواطف و تجارب زنانه در کلام شاعران
۶۳	۱-۲- جلوه‌های عشق زنانه در شعر زنان شاعر.....
۷۲	۲-۲- زن در فکر شاعران و فرهنگ جامعه.....
۹۱	۳-۲- زن و تنهایی.....
۹۵	۴-۲- جلوه‌های زن (مادر، مادر بزرگ، همسر، دختر، بیوه) در فکر شاعران و فرهنگ جامعه.....
	فصل سوم: زبان و زنانگی
۱۰۷	۱-۳- مبانی نظری.....
۱۱۶	۲-۳- تحلیل زبانی اشعار.....
۱۱۶	۱-۲-۳- نظام آوایی.....
۱۱۶	۱-۲-۳-۱- قائم مقامی.....
۱۲۱	۲-۲-۳-۱- بهیمنی.....
۱۲۵	۳-۲-۳-۱- صفارزاده.....
۱۲۹	۲-۲-۳-۲- نظام معنایی.....
۱۲۹	۱-۲-۲-۳- قائم مقامی.....

۱۳۲ ۲-۲-۲-۳ - بهبهانی

۱۳۴ ۳-۲-۲-۳ - صفارزاده

۱۴۰ ۳-۲-۳ - نظام نحوی

۱۴۱ ۱-۳-۲-۳ - قائم مقامی

۱۴۵ ۲-۳-۲-۳ - بهبهانی

۱۴۹ ۳-۳-۲-۳ - صفارزاده

فصل پنجم، نتیجه گیری

۱۷۷ فهرست منابع

۱۸۴ فهرست موضوعی

سخن آغازین

در این اثر سخن از اندیشه‌ی شاعرانه‌ی زن است. «زن»، به عنوان نیمی از پیکره‌ی خلقت و در عین حال پرورنده‌ی نیمه‌ی دیگر آن، مخاطب اثر نیز به‌طور خاص می‌تواند دانش‌جوی ادب فارسی باشد یا علاقه‌مند آن، چه زن و چه مرد؛ و به‌طور اعم مخاطب کتاب می‌تواند «زن» یا هر آن کسی باشد که خواهان آن است که نگاهی به افکار خود داشته باشد. اما این که موضوع کتاب چیست و چگونه هستی یافت؟ باید گفت که مطالعه‌ی اشعار زنان شاعر و آشنایی با برخی عقاید و افکار و احساس آنان، دغدغه‌ها و گفتمان‌هایی که از دل «من» شخصی آنان برمی‌خاست و به «من» عمومی (جامعه، عموم زنان) گره می‌خورد، مرا به عنوان یک زن بر آن داشت تا به پژوهشی هدفمند در سروده‌های آنان دست بزنم. ولی ورود به دنیای شعر آنان و دریافت ابعاد اندیشه‌های آنان مستلزم اشراف بر پاره‌ای مقدمات علمی و تاریخی و فرهنگی بود. این الزام از یک سو، مرا به مطالعات گسترده‌ای در پهنای تاریخ حضور زن در عرصه‌ی هستی وارد کرد. تورق دفتر روزگار زن حکایت از آن داشت که اگر چه نیم نسل‌ها بعد از زنان توانمندی که در عرصه حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه حضوری فعال داشته‌اند، با این حال فرودهای زندگی آنان بر فرازهای آن غلبه دارد. فضای نامطلوب زیستی زن در برخی دوره‌ها و اذیت نگاه‌ها و نظرهایی که نسبت به وی عرضه شده بود، روح انصاف و انسانیت را می‌خراشید. این در حالی است که پیامبر اعظم (ص)، «در جامعه‌ی غیر متمدن عصر خود، برای این که قالب‌های زنانه جمود و متحجر جامعه‌ی خود را در خصوص زنان، دگرگون سازد و در راستای انقلاب تکاملی خود، انقلاب دیگری را نیز در «احساس» و در «طرز تلقی» مردان از زنان برپا کند، تلاش فراوانی کرد»^۱. سویی دیگر، مطالعات، به علل و ریشه‌های بی‌منزلفتی زنان و راه و راهکارهای برون‌رفت از این وضعیت، از زوایای نگاه پژوهشگران و تحلیلگران حیطه‌ی حقوق و شخصیت زن، مربوط می‌شد. این مباحث و نیز بررسی گذار زن از عرصه‌ی تاریخ را به‌صورتی موجز، در فصل یکم می‌خوانید.

معمار کبیر انقلاب اسلامی در مورد نقش و رسالت زن می‌فرمایند: «سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. این زن است که با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند. قرآن کریم انسان‌ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز»^۲. با توجه به چنین روی‌کردی که زنان را عاملی حیاتی و

^۱ حکیم پور، ۱۳۸۲: ۳۰۱.

^۲ امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۰.

تعیین‌کننده در سرنوشت جوامع محسوب می‌نماید، حال باید پرسید که زنانی که از ادراک رسالت و جایگاه خود غافل مانده، یا این که از منزلت انسانی و درخور خود فاصله داشته و در محرومیت به سر می‌برند، نسل‌هایی که از زیر دست چنین زنانی بیرون می‌آیند چگونه می‌توانند نویدبخش زندگی انسانی شایسته‌ای باشند؟ آیا در چنین وضعی مردان نیز از حرکت و بالندگی باز نمی‌مانند؟

دکتر شریعتی زنان را به سه دسته تقسیم می‌کند: «زنانی که در قالب‌های سنتی قدیم مانده‌اند، مسئله‌ای برایشان مطرح نیست. زنانی که قالب‌های وارداتی جدید را پذیرفته‌اند، مسئله برایشان حل شده است. اما در میان این دو نوع زن قالبی، آن‌ها که نه می‌توانند آن شکل قدیمی موروثی را دیگر تحمل کنند و نه به این شکل جدید تحمیلی تسلیم شوند، چه باید کنند؟ اینان می‌خواهند خود را بسازند و برای اینان «گونه شدن» مطرح است».^۳

به هر حال امروزه زن ایرانی نامت راست کرده و در عرصه‌ی علم و هنر و فرهنگ توانایی‌های شایسته‌ای از خود نشان داده است. به گونه‌ای که تاریخ ادبیات نتوانسته است از آن‌ها چشم‌پوشی کند و صفحات خود را از ذکر نام و نمونه آثار و اشعار آنان خالی نگاه دارد. از سوی دیگر استاد شفیع کدکنی شعر واقعی را شعری می‌داند که به «ذات زندگی» که جان شعر است بپردازد.^۴ مصادیق این بی‌شمار زنان که سروده‌های آنان نیز از مظاهر شعر واقعی است، قائم‌مقامی، بهیهانی و صفارزاده هستند. چرا که سروده‌های این شعرا لبریز از واقعیت‌های زندگی و زمانه‌ی آنان، و فرهنگ مسلط بر ذهن و رفتار مردم جامعه و نیز دل‌مشغولی‌های زنانه‌شان، می‌باشد؛ اشعاری که از رهگذر آن بنیان اثر حاضر شکل گرفت و سبب شد تا اهداف، افکار، رفتار و احساسات خود و مخاطبانم را به چالش کشم.

به بار نشستن کتاب حاضر که محصول صرف وقت و مطالعات شبانه‌روزی چندین ساله است، خالی از رنج و دشواری نبود. گذشته از موانع ریز و درشت، دست یافتن به منابع و مآخذ مورد نیاز در فقر کتاب و کتاب‌خانه‌های غنی، خود مشکل بزرگی بود. با وجود همه‌ی مشکلات، یاری و هم‌کاری و هم‌سویی همسر، مجید یوسفی، نقش اساسی در به سامان رسیدن این اثر داشت، که به رسم قدرشناسی، سپاس‌گذار ایشان هستم. هم‌چنین وظیفه می‌دانم از مساعدت‌های ریاست محترم

^۳ شریعتی، ۱۳۹۵: ۱۵.

^۴ شفیع کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۹.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه، جناب آقای دکتر سلیمی شاملو و مدیریت محترم پژوهشی واحد، جناب آقای دکتر وجدی به جهت فراهم کردن مقدمات چاپ کتاب، صمیمانه تشکر نمایم.

در خاتمه، دست نیاز به سوی درگاه الهی بلند نموده و از آن قدرت بی‌همتا مسئلت می‌کنم که به لطف و کرم بی‌منت‌های خود یاری کند تا زبان قلم نگارنده از خطا و لغزش مصون بماند. از پژوهشگران و خوانندگان روشن‌بین انتظار دارم که «چهار فصل در شعر زنان معاصر» را نجوایی از سر درد دل، و دلسوزی برخاسته از نگرانی و احساس مسئولیت، از دریچه‌ی نگاه زنان شاعر تلقی نموده و مولف کتاب را از ارشادات خود بی‌نصیب ننمایند.

عزیزه یوسفی

بهار ۱۳۹۶ و رمضان المبارک ۱۴۳۸

مقدمه

هنر اندیشیدن این ویژگی ممتاز انسان، مهم‌ترین عامل تکامل و تعالی افکار و عقاید بشر در طول تاریخ بوده است. آثار ادب فارسی همواره محملی برای اظهار اندیشه‌های ناب و افکار بلند و بازتاب‌دهنده‌ی الگوهای فرهنگی و اخلاقی جامعه بوده، و همواره این قابلیت را داشته است که جامعه و انسان‌ها را در جهت کیفیت زیست بهتر و متعالی‌تر رهنمون باشد. با مطالعه‌ی این متون می‌توان به واقعیت‌های پیدا و پنهان جامعه پی برد. هم‌چنان که می‌توان از لابلای آن‌ها پنهان داشته شده‌ترین لایه‌های روان جمعی جامعه را دید.

گوهر اندیشه زن از شفافیت و خلوص ویژه‌ای برخوردار است. غنا و صفای روح و ظرافت احساس و ادراک زن ایرانی انکارناپذیر است. در سروده‌های زنان محسوسات جای تخیلات را گرفته و همین امر که آنان را به عرف وادارایی کشانده است، یکی از دلایل شایستگی زنان است. زنانی که فضای سنتی و بسته‌ی گذشته را رها کرده است که منزلت شایسته خود را بیابند و خود و آثارشان معرفی شوند. چنین فضایی که در چهارچوب آن سامان‌دهی به امور هستی‌بخش درون خانه از وظایف اصلی زن محسوب می‌شده است، مانع نشده است که زن از محدوده‌ی خانه قدم بیرون نگذارد و دوشادوش مرد در تلاش بیرون از خانه، سهم نگذارد. شواهد تاریخی گویای آن است که زنان هم‌چنان که در طول تاریخ در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کنار مردان حضور داشته‌اند، در تکامل و تعالی افکار بشری نیز سهم به‌زایی داشته، و در ابعاد مختلف استعداد خویش را نشان داده‌اند؛ شعر و سرایندگی از مصادیق برجسته‌ی ذوق و استعداد زنان است. شاعران و نویسندگان نام‌آور زن در همه‌ی دوره‌ها وجود داشته‌اند. زنانی بودند که در دوران زندگی خود از وجهه‌ی ادبی خیره‌کننده‌ای برخوردار بوده‌اند، اما اثری از نام و نوشته‌های آنان جای نمانده است. زن به عنوان مظهر عطف و رحمت الهی و حامل راز آفرینش انسان، سمبل متنوع نظر محافل و اندیشه‌مندان بوده است و از فراسوی اعصار و قرون، پژوهندگان مختلف در باره‌ی گذشته و منزلت این مصداق جمال الهی، دیدگاه‌های متعددی را بیان داشته‌اند. زن، گذشته‌ی پرفراز و نشیبی داشته است. زن در نخستین دم تاریخ، به عنوان مظهر باروری و فزاینده‌ی، و توان اقتصادی و اجتماعی، مورد تحسین و ستایش قرار گرفت و آغازگر کشاورزی، سخن‌گویی، و چشم و چراغ خانه، شناخته شد؛ اما با همه‌ی توان و بویایی، و با همه‌ی تلاش و درایت، در هجوم کوبنده‌ی تاریخ و در روند دگرگونی‌های اجتناب‌ناپذیر جامعه، درهم شکست؛ دست‌هایش از جست‌وجوگری و آفرینندگی بازماند و همه‌ی توانایی‌ها و قابلیت‌های او، در چهاردیواری خانه‌ها جای خود را به ضعف و زبونی

داد؛ و درگذر بی‌امان تاریخ، با آغاز تسلط اقتصادی مردان، دوره‌ی فرودستی زنان آغاز گردید. آن‌گاه که خواست برای نجات خود از حقارت و بندگی چاره‌اندیشی کند، تدبیرش نام مکر و کید به خود گرفت؛ و او را آماج ناسزاوارترین توهین‌ها قرار داد؛ «این درست بدان می‌ماند که دست کسی را فلج کنید و بعد بگویید: چون فلج است، از همه چیز محروم است» (شریعتی، ۱۳۹۵: ۱۱۳). ادبیات ایران از تحقیر و تقبیح و تذمیم زن آکنده است؛ همان‌گونه که پدیدآورندگان ادبیات تعلیمی و اخلاقی و سیاست‌نامه‌ها نیز، نظیر امام محمد غزالی و خواجه نظام‌الملک، در آثارشان نظر خوشی نسبت به زن ندارند.

زنان با آن‌که نه‌تنها از جامعه‌ی انسانی را تشکیل می‌دهند، با این حال در طول تاریخ همواره با نگرش منفی مردان مواجه بوده، و در اغلب جوامع از حقوق انسانی خود محروم مانده‌اند. زنان به مرور به موقعیت ناعادانه‌ی خود در اجتماع پی می‌برند و در جوامع غربی از آغاز قرن نوزدهم، به منظور بهبود وضعیت خود، به‌تدریج سلسله تلاش‌ها و اقدامات دست می‌زنند و در قالب «جنبش‌های طرفدار حقوق زنان»، به دفاع از حق انسانی خود می‌پردازند. این جنبش‌ها با نام «فمینیسم» مطرح می‌شوند. فمینیسم، به عنوان جنبشی اجتماعی و فکری در معنای وسیع آن، در صدد ارتقای موقعیت زنان است. بر مبنای این تفکر، زن محروم و انسانی است و همان حقوق طبیعی و سلب نشدنی مردان را دارد. جنس زن به حقوق او ربطی ندارد؛ در قوای عقلی زنان نقیصی نیست و بنابراین حق دارند از حقوق کامل انسانی برخوردار باشند. اما در جوامع صنعتی غرب به خاطر جنسیت زنان نسبت به آنان تبعیض روا می‌دارند؛ یعنی برای گروه زنان بدون توجه به خواست‌ها، منافع، توانایی‌ها و نیازهای فردی آن‌ها محدودیت‌های خاصی مقرر می‌کنند. (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۷۴).

این در حالی است که دین مبین اسلام حقوقی برای زن مقرر کرد که تا چندین پیش زن غربی آن را دارا نبود. اسلام زن را مالک دارایی خود شناخته، «از نظر اسلام، مرد هیچ‌گونه تسلط اقتصادی و حق بهره‌برداری از نیرو و کار زن را ندارد؛ نمی‌تواند او را استثمار کند» (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۰۷). زن در کلیه‌ی معاملات حقوقی آزاد است. همین نکته است که نظر برخی زنان غربی نهضت طرفدار حقوق زن را به‌شدت به طرف خود جلب کرده است و به اظهار این مطلب واداشته است که مهم‌ترین حقی که اسلام برای زن قائل شده است، حق اقتصادی اوست. زنان انگلیسی تا اواخر قرن نوزدهم از چنین حقی محروم بودند. تا آن زمان، دارایی زن به هنگام ازدواج به همسرش منتقل می‌شد. اسلام برابری و تساوی حقوق زن و مرد را می‌پذیرد و تصدیق دارد، نه همانندی و یکسانی

آن را؛ چون معتقد است که هر یک با ویژگی‌های فطری خویش آفریده شده‌اند. با وجود این، به اقتضای تأثیرات اجتماعی، و مهم‌تر از همه غلبه‌ی سنت ریشه‌دار مردسالاری، موقعیت زن در جوامع اسلامی رو به تنزل نهاد.

تاریخ ادبیات جهان زنان نویسنده‌ی بسیاری را به حاشیه رانده است (تایسن، ۱۳۹۴: ۱۵۰). تاریخ ادبیات فارسی نیز به جهت حضور و نقش شاعران و نویسندگان مرد شهرت دارد. منتقدان مرد آثار زنان را فرودست انگاشته یا این که ادبیات زنان را نفی و انکار می‌کردند. به سبب دیدگاه و فضای مردسالار حاکم بر جامعه، برخی زنان نظیر پروین اعتصامی، مجبور شده‌اند تا به شیوه‌ی مردان قلم برند. با پیروی از ستن و قواعد مسلط مردانه، فرصت بروز و ظهور استعدادهای خود را بیابند؛ یا این که گروهی دیگر همانند ژاله (عالم‌تاج) قائم‌مقامی، ناگزیر شده‌اند که هنر و شعر خود را پنهان کنند. اگر نه فلان نصیب این دسته از زنان می‌شد، اطرافیان‌شان اشعار آنان را پس از مرگ‌شان منتشر می‌کردند. به این حال، تاریخ نام شاعران زن چندی را در سینه‌ی خود ثبت کرده است و نشان می‌دهد که زنان ایران گذر از ادوار پرفراز و نشیبی توانستند ارزش خود را باز یابند و از ذهن و زبان خود سخن بگویند.

اثر حاضر در پی آن است که سرودهای به تن از شاعران زن ایران، ژاله (عالم‌تاج) قائم‌مقامی، سیمین بهبهانی و دکتر طاهره صفارزاده را از دیدگاه نقد ادبی زن محور، که از شاخه‌های نقد ادبی فمینیستی است، مورد کندوکاو قرار دهد. مطابق دیدگاه مذکور، نوشته‌های زنان تجربه‌های ایشان را در فرهنگ‌های مختلف بازتاب می‌دهد، تجاربی که با زندگی و نجارب مردان متفاوت است؛ و از طریق تحلیل نیروهای فرهنگی، و اهمیت و ارزش نقش‌های آنان در یک جامعه‌ی خاص به بررسی این موضوع می‌پردازد که جامعه به چه طریق در شکل‌گیری درک و فهم زن از خود، جامعه و دنیایش تأثیر می‌گذارد و در شکل‌گیری نگرش‌ها و آرمان‌های زنان ایجاب می‌کند. در مطالعه‌ی زبان زنان مورد پژوهش، عناصر به کاررفته در زبان آنان و نحوه‌ی استفاده‌ی زنان از عنصر زبان، بررسی می‌شود و این که آیا شاعران مذکور موفق به ایجاد زبانی ویژه‌ی جنسیت خود و بهره‌گیری از چنین زبانی در نوشته‌های‌شان هستند یا نه؟

ژاله قائم‌مقامی، هنگامی سرودن از زندگی خود را آغاز می‌کند که جامعه‌ی محدود و محروم ایران، تجربه‌ی انقلاب مشروطه و حرکت‌های زنان را در همراهی آن، در پس پشت می‌نهد و مسائل مربوط به زن، آزادی و تعلیم و سوادآموزی او، به‌تازگی به کلام خواص جامعه راه یافته بود. با این حال جامعه‌ی مردسالار هنوز آمادگی شنیدن صدای زن و گفتن زنانه را نداشت. از این رو

دل‌واژه‌های شاعر به‌وسیله‌ی خود او یا طعمه‌ی آتش می‌شد، یا در آغوش پستوها جای می‌گرفت. از طرف دیگر ردپای اندیشه‌های فمینیستی اندک‌اندک وارد ذهن و زبان جامعه می‌شد. همین مسئله بر طغیان پنهان قائم‌مقامی بر علیه سلطه و سیطره‌ی مردان، قدرت بخشیده بود. سیمین بهبهانی با بهره‌مندی از ثمره‌ی تلاش‌ها و حرکات‌های زنان و مردان ایرانی در جنبش مشروطه و انقلاب شکوهمند اسلامی، و با استفاده از فضای مساعد اجتماعی و فکری، اگرچه تندروی‌های ژاله را در پیش نمی‌گیرد، ولی بمانند او در بیان خواهش‌های جسم و تجارب خصوصی، تابوشکنی می‌کند و به این وسیله، تیرپذیری از نگرش‌های فمینیستی را در سروده‌هایش منعکس می‌کند. بهبهانی در زمینه‌ی ساختار و سامین غزل‌های خود نیز از سیره و سنت مردانه، تا حدودی پا فراتر می‌نهد. دوره‌ی زندگی طاهره صفارزاده، بسیاری از محدودیت‌هایی که در مسیر رشد و پیشرفت زنان ایرانی بود، تا حدودی از جامعه‌ی ایرانی، رخت برسته بود و وی با استفاده از چنین فضایی توانست بسیاری از قابلیت‌های زن ایرانی را به اثبات رساند و در چهره‌ی زنی فرهیخته و کمال‌یافته ظاهر شود. صفارزاده در اشعارش جلوه‌های گوناگون جامعه‌ی مردسالار با زن را آشکار می‌کند و قدم به قدم با معیارهای ناعادلانه‌ی ایدئولوژی مردسالار، نرم‌افتد. علاوه بر آن، وی بر علیه نظم و قانون مردانه‌ی حاکم بر ساختار شعر، می‌شورد و نظامی خاص و برخاسته از روح زنانه‌ی خود را بر کالبد شعر می‌دمد. شاعر تمام قید و بندها و حصارهایی را که احساس می‌کند مانع پرواز اندیشه‌های فردی و اجتماعی او می‌شوند، در هم می‌شکند. از رهگذر آن، شعر زنانه راه خود را از شعر مردانه جدا کند.

نوشتار حاضر در یک پیش‌گفتار و چهار فصل جامعه‌ی نظم به خود پیوسته است؛ در فصل یکم و تحت عنوان کلیات، در قالب پنج بخش، پیرامون تفکر فمینیستی، فمینیسم ایرانی، اسلام و مسائل مربوط به زن، نقد ادبی فمینیستی، زن در عرصه‌ی تاریخ، و زن در عرصه‌ی تناسبات ادبیات، سخن گفته شده است. فصل دوم، با عنوان تجلی عواطف و تجارب زنانه در کلام شاعران هدف پژوهش، در چهار بخش سامان یافته است که جلوه‌های عشق زنانه در کلام شاعران، زن در فکر شاعران و فرهنگ جامعه، زن و تنهایی، و جلوه‌های زن (دختر، همسر، مادر، مادر بزرگ و بیوه) در فکر شاعران و فرهنگ جامعه را شامل می‌شود. فصل سوم به زبان و گفتمان زنانه، می‌پردازد و فصل چهارم نتایج و دستاوردهای تحقیق را منعکس می‌کند.

پیشینه‌ی پژوهش

تحقیق و پژوهشی که به نقد ادبیات با صبغه‌ی نقد زن‌محور بپردازد، اندک است؛ و از این تحقیقات اندک نیز تعداد بسیار محدودی قابل دسترسی هستند. از آثاری که صبغه نقد فمینیستی دارند می‌توان به رساله‌ی سمانه واصفی با عنوان نقد فمینیستی رمان‌های محمود دولت‌آبادی در دانشگاه تربیت معلم، و نیز رساله‌های بررسی جلوه‌های مردسالاری جامعه‌ی ایران در داستان‌های معاصر، و جایگاه زن در آثار نویسندگان معاصر در دانشگاه الزهرا اشاره کرد. یکی دیگر از این آثار، فمینیسیم و شاهنامه، اثر مهری تلخابی است؛ نویسنده در این اثر پس از تشریح مقوله‌ی فمینیسیم، شاهنامه را از منظر نقد فمینیستی، به تحلیل نشسته است. اما همان‌طور که اشاره شد، آثاری که به طور مشخص به نقد زن‌محور آثار زنان بپردازند، بسیار نادر و اندک است. از جمله کتبی که به طور خاص در این زمینه وجود دارد، مکتب اصالت زن در نقد ادبی، نوشته‌ی محمود حسن‌آبادی است. در علاوه بر پرداختن به مبانی نظری فمینیسیم و نقد ادبی فمینیستی، به بررسی آثار داستانی منیر و روانی، و منظر نقد فمینیستی پرداخته است. دیگر، گفتمان زنانه، اثر سید علی سراج می‌باشد که به بررسی روند تکرار فتمان زنانه، در آثار داستانی ده تن از نویسندگان زن معاصر پرداخته است. مقاله‌های سید علی سراج، و نیز نهای برگزیده‌ی محمد محمدعلی، نوشته‌ی مریم حسینی و فرانک جهان‌بخش، نقد فمینیستی سه قطره خون صادق هدایت بر مبنای مدل زبان‌شناختی شووالتر، نوشته‌ی نادیا غضنفری مقدم، و بهرام رئیسی سیستانی، بررسی تأثیر جنسیت بر زبان شاعر معاصر، اثر قدسیه رضوانیان و سید زینب، بررسی تأثیر جنسیت بر کاربرد تشبیه و استعاره در شعر زنان شاعر، نوشته‌ی مسعود روحانی و پرونا ملک، زنان و زبان، اثر محمود حسن‌آبادی نیز به موضوع پژوهش حاضر مربوط می‌شوند.

در مورد اشعار سیمین بهبهانی چند رساله در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های مختلف دفاع شده است که از جمله‌ی آن رساله‌های تحلیل زبان‌شناختی اشعار سیمین بهبهانی بر اساس نظریه یاکوبسن، اثر مطهره جهانی، و مقایسه شعر فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی با رویکرد نقد زن‌محور، از زهره‌ی یآوری‌فر- که اگر چه قابل دسترسی نبودند- قابل اشاره‌اند. هم‌چنین در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، مقاله‌های متعددی از نگارندگان مختلف در دست است که هر یک از زاویه‌ای، به ابعاد هنر و اندیشه‌های قائم‌مقامی، بهبهانی و صفارزاده پرداخته‌اند: نقد فمینیستی بر غزل سیمین بهبهانی، اثر ساره تربیت، نقش زبان در شعر سیمین بهبهانی، و نیز ذهن و زبان در شعر سیمین بهبهانی، اثر مهدی شریفیان، اسطوره‌وارگی مفاهیم زنانه در شعر طاهره صفارزاده، از

نسرین گبانجی و عیسی داراب‌پور، سیمای زن در شعر شاعران زن معاصر، از پوپک نیک‌طلب، شاعران زن معاصر و اندیشه‌های فمینیستی، راضیه زواریان، چهار شاعر زن معاصر، از لیدا واعظ و محمدحسن صادق‌زاده، ولی اثری که با روی‌کرد پژوهش حاضر یعنی نقد ادبی زن محور، سروده‌های قائم‌مقامی، بهبهانی و صفارزاده را بررسی کرده باشند، تاکنون از سوی پژوهشگران و نویسندگان، عرضه نشده است.